

# سرودهای روشنایی

جُستاری در شعر ایران باستان و میانه

و سرودهای مانوی

ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

(مجموعه‌ی آرش ۱۳)

## فهرست مطالب

### فرگرد اول: جُستاری در شعر ایران باستان و میانه، ۱۵

#### پیش‌درآمد، ۱۷

#### ۱. دوره هند و ایرانی، ۱۹

اشعار ودایی دوره هند و ایرانی، ۱۹ / وزن اشعار ودایی، ۲۰ / سرود ودایی میترا، ۲۲ / سرود ودایی اپام نپات، ۲۳ / سرود ودایی اگنی، ۲۷ / سرود ودایی سَویترا، ۲۸ / اشعار سنسکریت، ۳۱ / وزن اشعار سنسکریت، ۳۲ / نمونه شعر سنسکریت: از اوپانیشاد، ۳۵ / نمونه شعر سنسکریت: از مهابهاراتا، ۴۴

#### ۲. دوره ایرانی باستان، ۴۹

سروده‌های گاهانی، ۴۹ / اصطلاحات شعری گاهانی، ۵۱ / وزن شعر گاهانی، ۵۲ / سرود گاهانی: یسن ۲۹، ۵۲ / سرود گاهانی: یسن ۳۰، ۵۵ / سروده‌های یشتی، ۵۹ / وزن یشت‌ها، ۶۰ / نظریه گلدنر درباره وزن یشت‌ها، ۶۰ / نظریه هنینگ درباره وزن یشت‌ها، ۶۱ / نظریه لازار درباره وزن یشت‌ها، ۶۴ / سرود اوستایی مهریشت، ۷۰ / سرود اوستایی فروردین یشت، ۸۶ / سرود اوستایی زام یشت، ۹۸

شعر پارسی باستان، ۱۰۴

۳. دوره ایرانی میانه، ۱۰۹

ویژگی کلی شعر پارتی و پارسی میانه، ۱۱۱/ خُنیاگران بزرگ دوره ساسانی، ۱۱۸/ ویژگی های فنی شعر پارتی و پارسی میانه، ۱۲۷/ نمونه های شعر پارتی، ۱۳۲/ نمونه های شعر پارسی میانه، ۱۳۴

۴. اشعار فارسی به شیوه آثار منظوم ایرانی میانه، ۱۴۱

اشعار و ترانه ها، ۱۴۳/ فلهویات و اورامان، ۱۵۱/ ترانه های محلی و عامیانه، ۱۵۷/ ترانه های هجایی خراسانی، ۱۵۹/ ترانه های طبری (مازندرانی)، ۱۶۳/ ترانه های کردی، ۱۷۰/ پی نوشت فرگرد اول، ۱۷۵

فرگرد دوم: سرودهای مانوی، ۱۸۹

پیش درآمد، ۱۹۱

۱. سرودهایی در ستایش پدر بزرگی، درباره بهشت، دوزخ و اهریمن، ۲۰۳  
سرودهایی در ستایش پدر بزرگی از زیور مانوی، ۲۰۳/ پاره هایی از چند سرود در بزرگداشت پدر بزرگی، ۲۰۶/ از سرودی در ستایش پدر بزرگی، ۲۰۷/ از سرودی درباره بهشت و پدر بزرگی، ۲۰۹

۲. سرودهایی درباره کیهان شناخت و رستاخیز، ۲۱۱

پدر بزرگی و بهشت، ۲۱۱/ شهزاده تاریکی و دوزخ، ۲۱۲/ نبرد نخستین، ۲۱۳/ بندهایی از یک سرود درباره نریسه ایزد و آرخن ها (دیوان)، ۲۱۴/ بندهایی از یک سرود درباره زندانی کردن نور در جهان، ۲۱۵/ سرودی درباره کیهان شناخت، ۲۱۷/ سرودی درباره باز آمدن عیسی، ۲۱۹/ بندهایی از یک سرود درباره پیروزی نور، ۲۲۰

### ۳. سرودهایی برای گریو ژیوتدک (نفس زنده)، ۲۲۳

سرود نفس زنده (۱)، ۲۲۳ / سرود نفس زنده (۲)، ۲۲۵ / سرود نفس زنده (۳)، ۲۲۶ / سرود (۱)  
۲۲۷ / سرود (۲)، ۲۲۶ / سرود (۳)، ۲۳۰ / سرود (۴)، ۲۳۱ / سرود (۵)، ۲۳۲ / سرود (۶)، ۲۳۳ / سرود  
(۷)، ۲۳۴ / سرود (۸)، ۲۳۴ / گفتار نفس زنده، ۲۳۶ / سرود (۹)، ۲۳۶

### ۴. سرودهایی برای نریسه ایزد، ۲۴۱

سرودهای نریسه ایزدی، ۲۴۱ / سرود (۱)، ۲۴۳ / سرود (۲)، ۲۴۵ / سرود (۳)، ۲۴۶ / سرود (۴)، ۲۴۶  
/ سرود (۵)، ۲۴۹ / سرود (۶)، ۲۴۹ / سرود نریسه ایزد، ۲۵۱ / سرود نریسه ایزدی، ۲۵۱ / سرود (۷)  
۲۵۲

### ۵. سرودهایی در ستایش عیسی درخشان، ۲۵۳

سرودهایی در ستایش عیسی از زبور مانی، ۲۵۳ / سرود (۱)، ۲۵۵ / سرودهایی در ستایش عیسی:  
ستایش عیسی زنده گر، ۲۵۶ / سرود (۲)، ۲۵۶ / سرود (۳)، ۲۶۰

### ۶. درباره دوازده قلمرو روشنی، ۲۶۱

دوازده شهر روشنی، ۲۶۱ / دوازده شهر تاریکی، ۲۶۱ / سرودهایی به افتخار شهرهای روشنی و یاد  
کرد از ایزدان آنها، ۲۶۲ / سرود درباره قلمرو دوازده شهریاری، ۲۶۴

### ۷. سرودهایی در بزرگداشت مانی و رهبران دین، ۲۶۷

سرود یادبود مانی: سرود مرگ مقدس، ۲۶۷ / سرودهای یادبود، محتملا برای مانی: سرود عروج،  
۲۷۰ / سرود، ۲۷۱ / سرود یادبود مار زکو، ۲۷۱ / بندهای نخستین سه سرود در ستایش شاد اورمزد،  
۲۷۴ / بندهایی از یک سرود در بزرگداشت وهمن خورشید، ۲۷۵ / بندهایی از یک سرود در  
ستایش مانی: ستایش فرشته روشنی، ۲۷۶ / بندهایی از یک سرود در ستایش مانی، ۲۷۷

### ۸. سرودهایی در ستایش بزرگان و دین سرهنگان، ۲۷۹

سرودی در ستایش بلندپایگان و جامعه مانوی، ۲۷۹ / سرودی در ستایش دین سرهنگان: شکوه

آموزگاران، ۲۸۳/ سرودی به افتخار رهبر دین، ۲۸۴/ سرودی به افتخار یکی از آموزگاران دین،  
۲۸۵/ سرودهایی در بزرگداشت بر تخت نشینی اسپسگان، ۲۸۶/ سرودی در گزینش یک  
آموزگار، ۲۸۶/ سرودهایی برای سلسله مراتب دینی، ۲۸۹/ از سرودی برای جامعه مانوی، ۲۹۲/ از  
دو سرود در ستایش فرشتگان: آفرین فرشتگان، ۲۹۳

## ۹. سرودهای آیینی، ۲۹۵

بخشی از یک نیایش‌نامه: نامه مهر، ۲۹۵/ بخشی از یک نیایش‌نامه که سرآغاز آن منظوم است،  
۳۱۱/ سرودهای جان ۳۱۱

## ۱۰. سرودهایی از سرودنامه هویدگمان و انگد روشنان، ۳۱۷

سرودهایی از هویدگمان (نیک‌بختی برای ما)، ۳۱۷/ بندهای دیگری از هویدگمان: ششم اندام،  
۳۱۹/ سرودهایی از انگد روشنان (روشنی‌های کامل)، ۳۲۱/ سرودهای دیگری از انگد روشنان:  
هفتم اندام، ۳۲۳

## ۱۱. سرودهای پراکنده، ۳۲۷

بندهایی از یک سرودنامه، محتملا سروده مانی، ۳۲۷/ بندهایی از سرودنامه پیشین به زبان پارسی،  
۳۲۸

گفت و گویی سرود مانند میان یک ایزد (محتملا عیسی) و "فرزند"، ۳۲۹/ بندهایی از یک سرود  
ابجدی، ۳۳۲/ بندهایی از یک سرود، ۳۳۳/ بندهایی از سرودی درباره رستگاری، ۳۳۳/ بندهایی از  
دو سرود جدلی: گفتار همایش آبورسام، ۳۳۴/ بندهایی از یک سرود دوشنبه، ۳۳۶/ بندهایی از  
یک سرود، ۳۳۸/ بندهایی از یک سرود ابجدی، ۳۳۹

## ۱۲. نمازها و نیایش‌ها، ۳۴۱

نیایش فرشتگان، ۳۴۱/ نیایش برسیموس، ۳۴۳/ سرود، ۳۴۵/ فراخوانی ایزدان رهایی‌بخش و مانی،  
۳۴۶/ نیایشی برای شهزاده اویغور، ۳۴۸/ نیایشی برای یک رهبر، با فراخوانی ایزدان، ۳۴۹/ نیایش  
(۱)، ۳۵۱/ نیایش (۲)، ۳۵۲

۱۳. مَهرنامگ، سرودنامه‌ای مانوی، ۳۵۳

خوش آواها، ۳۵۶ / سرودِ آغازگران، ۳۶۰

۱۴. زبور مانوی: گنجینه شعر سپید عرفانی، ۳۶۷

پاره‌هایی از زبور مانوی، ۳۷۰ / تو شیرینی!، ۳۷۰ / ای اندیشه روشنی!، ۳۷۱ / خسته مشو ای خردا،

۳۷۲ / از تن مرگ فراز آیم، ۳۷۵ / در گذرگاه روشنی، ۳۷۶ / بسی رنج بردم، ۳۷۷ / آن انسان کامل،

۳۸۰ / چراغ‌ها برافروزید!، ۳۸۱ / دوستارِ سرودی!، ۳۸۴

سرودهای روشنایی

۱۵. سرودنامه سُغدی مانوی، ۳۸۷

پاره‌هایی از سرودنامه سُغدی مانوی، ۳۸۷ / بی‌نوشت فرگرد دوم، ۳۹۵ / کتاب‌نامه، ۴۳۹ / نمایه، ۴۴۳

آن از روزگار باستان، میانه و نو، بحثی ناسزاوار نیست؟ این جدا پنداری مطلق نگرانه فرهنگ و ادب پیش از اسلام و بعد از آن به این مانند است که درخت تناور سه هزار ساله‌ای را با تیشه‌ای به دو نیمه جدا از هم بخش کنیم و آنگاه به تقدیس یا تحلیل جداگانه هریک-چون دو معبد جدا از هم و گاه در برابر هم-بپردازیم. شعر اصیل ایرانی به راستی از دوره هند و ایرانی (نیمه دوم هزاره دوم پ.م) آغاز می‌گردد و سرچشمه‌های آن را باید در سروده‌های هند و ایرانی، سروده‌های ودایی و سنسکریت جست‌وجو کرد و سیر تکوینی آن را نیز باید در سروده‌های گاهانی (گاثایی) و یشتی بازکاوید. بنابراین، شعر ایرانی در وهله نخست به دو دوران اصلی بخش می‌گردد که در واقع یکی تداوم بخش دیگری است:

۱) دوران نخست: از هزاره نخست پ.م. تا سده نهم میلادی (سوم هـ).

۲) دوران دوم: از سده سوم ه. تا روزگار کنونی.

موضوع جستار ما بررسی دوران نخست است که کهن‌ترین دوره تاریخی ایران تا سده‌هایی پس از اسلام را در برمی‌گیرد. پس، اسلام سده‌ی در برابر شعر پیش از اسلام نبوده، بلکه باعث تکوین و تحول آن شده است. خواهیم دید که حتی گزینش اوزان عروضی از سوی نخستین سرایندهگان پارسی به گونه‌ای بوده که بیش از همه به اوزان هجایی، آهنگین اشعار پارسی میانه و پارتی روزگار ساسانی و سده‌های نخستین هجری بسیار نزدیک بوده است و در واقع، گونه تحول یافته آن به شمار می‌رود.

این دوران، که تاریخی تقریباً دو هزار ساله را فرامی‌گیرد، با سروده‌های هند و ایرانی (ودایی-سنسکریت) آغاز می‌گردد، با سروده‌های گاهانی زرتشت و اشعار آیینی-اسطوره‌ای یشت‌ها ادامه می‌یابد، و اشعار ایرانی میانه (پارتی یا پهلوی اشکانی، پارسی میانه یا پهلوی ساسانی، سغدی)، و فلهویات را به دنبال دارد.

پس، شعر دوران نخست را می‌توان به چهار دوره بخش کرد:

۱) دوره هند و ایرانی: سروده‌های ودایی و سنسکریت

۲) دوره ایرانی باستان: سروده‌های گاهانی، اوستای متأخر و پارسی باستان

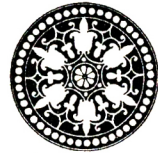
۳) دوره ایرانی میانه: پارتی، پارسی میانه، سغدی

۴) دوره اشعار فارسی به شیوه منظوم ایرانی میانه: اشعار هجایی-آهنگین فارسی

دری، فلهویات و اورامنان و ترانه‌های محلی.

## دوره هندوایرانی

### اشعار ودایی دوره هند و ایرانی



هندو ایرانیان در نیمه دوم هزاره دوم پ. م.، از سرزمین‌های واقع در مسیر رود آمودریا و سیر دریا، یعنی از آسیای میانه به سوی جنوب، به ترکمنستان امروزی، ایران، افغانستان و درهٔ سیند کوچیدند. هند و ایرانیان پیش از مهاجرت، از فرهنگ آندرونوو (Andronovo) بهره‌مند بودند. فرهنگی که مربوط به اواخر هزارهٔ سوم تا هزارهٔ نخست پ. م. بود و در آسیای میانه و باختر سیبری گسترش یافته بود. این مهاجرت احتمالاً در پی تازش اقوامی از شمال خاوری یا در پی رشد دامداری رخ داد.

از سدهٔ دوازدهم پ. م.، هندو ایرانیان یا آریایی‌ها از شمال به درهٔ سیند، و از سدهٔ ۱ پ. م.، از جلگه‌های آسیای میانه به صورت گروهی وارد فلات ایران شدند، چنان که نام برخی از آنان در لوحه‌ها و سنگ‌نبشته‌های میانرودان (به ویژه در الواح آشوری) آمده است. هر گروه از این قوم، در بخشی از فلات پهناور ایران زمین سکونت گزید: پارتیان در شمال خراسان، مادها در مرکز، باختر و شمال باختری، و پارسیان در جنوب، در فارس. سرچشمهٔ این اقوام، که در درهٔ سیند و فلات ایران فرود آمدند، آسیای میانه یا ایرانویج بود.<sup>۱</sup>

گروه دیگر آریایی‌ها، به نام سکاها در سده‌های ۸ و ۷ پ. م. از شمال آسیای میانه



برآمدند و به قفقاز و شمال دریای سیاه در باختر و به سرزمین‌های جنوب سیبری، تا نزدیک دریاچهٔ بایکال، در خاور و به سرزمین‌های جنوبی آسیای میانه تاختمد و توانستند در جنوب روسیهٔ امروزی، دولتی عظیم پدید آورند که بازماندهٔ آن تا سدهٔ ۲ پ. م. در شبه جزیرهٔ کریمه بازماند. گروه‌هایی از آنان در آغاز روزگارِ مادها از راه قفقاز به باختر ایران تازش آوردند؛ گروه‌هایی از ایشان نیز که در فرارود (ماوراءالنهر) بودند، با هخامنشیان درافتادند. در دوره‌های پسین نیز بخشی از سکاها با برانداختن دولت یونانی باختر، در زرنگ (سیستان) ساکن شدند و افسانه‌های زال و رستم یادگار آنان است.<sup>۲</sup>

یکی از سرودهای مهم آریاییانی که به درهٔ سند کوچیدند، ریگ ودا، کهن‌ترین بخش وداهاست. میان سرودهای ودایی و گاهانی، هم از نظر وزن و هم از نظر واژگان، اشتراکاتی وجود دارد.

واژهٔ ودا (Veda) یابید در زبان سنسکریت، از ریشهٔ Vid (دانستن) مشتق شده و به معنی «دانش» است. وداها به چهار کتاب اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: ریگ ودا (Rig-Veda)، یجورودا (Yajur-Veda)، سامه ودا (Sāma-Veda) و کتاب متأخری به نام آترو ودا (Ātharva-Veda).

از میان این چهار بخش وداها، ریگ ودا به شعر، و سامه ودا آهنگین است. ریگ ودارا شروتی (Śruti) نیز نامیده‌اند، یعنی «دانش» شنیدنی. ماکس مولر پیشینهٔ وداها را حدود ۱۲۰۰ پ. م. می‌داند.<sup>۳</sup> این تاریخ تقریباً با کوچ آریاییان به درهٔ سند هماهنگ است. برخی از پژوهشگران این تاریخ را کهن‌تر می‌پندارند. اما به هر حال، پیشینهٔ سرودهای ودایی مربوط به نیمهٔ دوم هزارهٔ دوم پ. م. است.

ریگ ودا، نخستین شعر آریاییان، شامل ۱۰۲۸ سرود (سوکت: Sukta) در ستایش ایزدان است. سامه ودا نیز که ودای آهنگ‌هاست، نیمی از سرودهایش تکرار همان اشعار ریگ وداست و نیمی دیگر دربردارندهٔ ۷۵ سرود اصلی است.

منظومهٔ ریگ ودا به ده ماندالا بخش می‌گردد. کوچک‌ترین سرود دارای یک بیت، و بزرگ‌ترین آن دارای ۵۸ بیت است. برخی سرودهای ریگ ودا را به هشت بخش تقسیم کرده‌اند و هر بخش را آشتاکه (Aṣṭaka) نامیده‌اند. هر یک از اشتاکه‌ها خود به هشت ادهیایه (Adhyāya) تقسیم می‌شود. سرایندهٔ سرودها را رِشی (Rṣi) می‌نامند. رِشی‌ها به راستی نخستین شاعران و سرایندگان آریایی بوده‌اند که میراث باستانی خود را در ایران به سرایندگان یشت‌ها سپرده‌اند.

## وزن اشعار ودایی

بی‌تردید همهٔ سرودهای ریگ ودا موزون است. این سرودها هر یک به طور متوسط دارای ده بند است. هر بند چهار مصراع دارد، اما گاهی سه و گاه پنج مصراعی است. هر مصراع

که پادَ (Pāda) نیز خوانده می‌شود و واحد وزنی را تشکیل می‌دهد، معمولاً شامل هشت، یازده، یا دوازده هجاست. یک بند مطابق قواعد عروضی، از مصراع‌های همانند تشکیل می‌شود؛ اما گاهی استثنائاً بندهایی هستند که از نظر وزن دارای مصراع‌های ناهمانند می‌باشند.

در اشعار ودایی، حدود پانزده وزن می‌توان یافت، اما همه این وزن‌ها به کار نمی‌رفته است. رایج‌ترین وزن‌های ودایی عبارت‌اند از:

(۱) تریشتوب (۴ × ۱۱ هجا) Triṣṭubh

(۲) گایتیری (۳ × ۸ هجا) Gāyatri

(۳) جگتی (۴ × ۱۲ هجا) Jagati

دو سوم کل سرودهای ریگ ودایی با این سه وزن سروده شده‌اند. اوزان ودایی که اساس وزن‌های سنسکریت باستانی‌اند، به استثناء دو نوع، همه دارای آهنگ کمی‌اند و در آنها هجاهای کوتاه و بلند تغییر می‌کند و عموماً به شکل اشعاری دارای و تَدِ مجموع (یک هجای کوتاه و بلند) می‌باشند. تنها آهنگ چهار یا پنج هجای آخر مصراع است که اجباری و حتمی به نظر می‌آید و مصراع‌های یازده و دوازده هجایی نیز دارای درنگ یا وقفه‌اند. بنابراین، ساختار اوزان ودایی چیزی میان اوزان اشعار دوره هند و ایرانی است. چنان‌که از اوستا برمی‌آید، در این سرودها، تنها تعداد هجاها ملاک است. همچنین در اشعار سنسکریت باستانی (به استثناء اِشلوکا)، کمیّت هجاهای منفرد در مصراع اهمیت دارد.

یک سرود ریگ ودا معمولاً شامل بندهایی است که در سراسر شعر، وزن یکسان دارد؛ اگر سرودی دارای بندهایی با وزن متفاوت باشد، در آن، خلاف این قاعده رفتار شده است. برخی از سرودها دارای ساختار رَجلی (Strophe: بخشی از سرود که به صورت جوابیه بر خوانده می‌شود) است. در این گونه سرودها، هر رَجَل (هر بخش از سرود) دارای سه بند به نام تَرچا با وزن همسان، عمدتاً در وزن گایتیری است یا دو بند با وزن‌های آمیخته و گوناگون دارد. نوع دیگر رَجَل، بَرگاته نام دارد و بیش‌تر در بخش هشتم ریگ ودا دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

درباره وزن شعر ودایی، تاتیانا ژ. الیزارن کوا پژوهش تازه‌ای انجام داده و معتقد است که شگردهای ویژه‌ای در اشعار ودایی پنهان است. از جمله، واژه‌گاه یا محل قرار گرفتن واژه یا پایه وزنی یک سرود ودایی، جنبه نمایشی و تصویری شعر را زیاد می‌کند. حتی قدرت و عظمت ایزدان در نام آنها با برجسته کردن آوایی نام واژه‌ها نشان داده می‌شود. در سرودهای ویژه یک ایزد ودایی، نشانه‌های آوایی خاصی وجود دارد که نام